

فرصت به بازهای آمریکایی ندهیم

گفت‌وگوی صدا با سیدحسین موسویان عضو سابق تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای



هادی خسروشاهین: سیدحسین موسویان، عضو سابق تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در گفت‌وگو با «صدا» معتقد است که باید انتظارات واقع‌بینانه از موضوعات سیاست خارجی و برجام داشت. وی تأکید کرد که با برجام بنایست ایران و آمریکا سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی خود را تغییر دهند. از سوی دیگر، توقف کامل تحریم‌های آمریکا و غرب علیه ایران، بستگی به «توافقی بزرگ» دارد که بسیار گسترده‌تر و فراتر از توافق هسته‌ای است. توافقی که دربرگیرنده اصول حل‌وفصل سایر اختلافات اساسی و تاریخی و دیرینه دو کشور باشد.

با برجام هم بنا نیست ایران و آمریکا سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی خود را تغییر دهند. طبق برجام نه ایران متعهد است دست از حمایت از سوریه و حزب‌الله لبنان بردارد و نه آمریکا دست از حمایت متحدینش. در صورتی که خصومت‌های آمریکا و ایران ادامه یابد، ممکن است آمریکا هم به تحریم ایران ادامه دهد. توقف کامل تحریم‌های آمریکا و غرب علیه ایران، بستگی به «توافقی بزرگ» دارد که بسیار گسترده‌تر و فراتر از توافق هسته‌ای است. توافقی که دربرگیرنده اصول حل و فصل سایر اختلافات اساسی و تاریخی و دیرینه دو کشور باشد. ممکن است اوپاما قبل از پایان دوره ریاست جمهوری‌اش آمادگی چنین مذاکره‌ای را داشته باشد اما ایران موافق نخواهد بود.

نظرسنجی‌های انتخاباتی در آمریکا نشان دهنده پیشتازی هیلاری کلینتون از حزب دموکرات و ترامپ و تد کروز از حزب جمهوری خواه و چرخش فضای سیاسی آمریکا به سمت راست است. در گفت‌وگو با شما چه در جبهه دموکرات‌ها چه در جبهه جمهوری خواهان ایران یک تهدید امنیتی و استراتژیک محسوب می‌شود، نظر شما نسبت به آینده برجام در دوره پس از اوپاما چیست؟

من بارها گفته‌ام که باراک حسین اوپاما و دولت‌ش به‌ویژه جان کری وزیر خارجه، مونیز وزیر انرژی و رابرت مالی رییس امور خارجه، فرصت‌هایی هستند که معلوم نیست در سال‌های آتی تکرار شود. من اطمینان دارم که آقای ظریف و صالحی و عراقچی و روانچی و دوستانی که از نزدیک

شورای امنیت بوده زیرا در زمانی اجرا شده که این قطعنامه هنوز معتبر بوده است. به‌رحال ما همیشه تأکید کرده‌ایم که آزمایش موشکی نقض برجام نبود و تحریم آمریکا هم غیرقانونی است.

برخی از تحلیلگران معتقدند که افزایش دوره گریز هسته‌ای و خروج منابع اورانیوم و صفحات سوخت از کشور طبق برنامه جامع اقدام مشترک زمینه‌ساز فشارهای بعدی بر حوزه‌های تسلیحاتی، موشکی و تروریسم و حقوق بشر خواهد شد. تا چه حد قطعنامه ۲۲۳۱ زمینه‌ی اعمال تحریم‌های جدید در حوزه استراتژیک و نظامی را فراهم خواهد کرد؟ آیا اوپاما پس از اجرای برجام و برای دلجویی از اعراب و اسرائیل وارد مناسبات استراتژیک و امنیتی بیشتر با این کشورها می‌شود و ایران را به نوعی قربانی می‌کند؟

طبق برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ تحریم‌های تسلیحاتی ایران چند سال دیگر برداشته خواهد شد. برجام فقط مربوط به رفع فوری تحریم‌های اعمال شده در حوزه هسته‌ای است، مثل تحریم نفت، بانک مرکزی، تعداد دیگری از بانک‌های ایرانی، بیمه، کشتیرانی، فروش هواپیمای مسافربری. البته این تحریم‌ها هم بود که روابط اقتصادی ایران و جهان را فشرده کرده بود و خوشبختانه اکنون برطرف شد. آمریکا و ایران می‌توانند در مورد سایر مسائل مثل حقوق بشر و تروریسم یکدیگر را تحریم کنند. برجام هم به‌طور کلی و دائمی آمریکا و قدرتهای جهانی و ایران را از حق تحریم علیه یکدیگر منع نکرده است.

یک روز پس از اجرای برجام، آمریکا تحریم‌های جدید موشکی را علیه ایران وضع کرد. آیا آمریکا برجام را نقض کرد؟ چرا ایران اجرای برجام را متوقف نکرد؟ باید با مسائل واقع‌بینانه برخورد کرد و واقعیت را هم به مردم گفت. طبق قطعنامه ۱۹۲۹ که در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد توسط سازمان ملل علیه ایران صادر شد، آزمایش موشکی ایران ممنوع شد. توافقی نهایی هسته‌ای (برجام) در تابستان ۱۳۹۴ بین ایران و قدرت‌های جهانی امضاء شد. بلافاصله هم قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل هم برجام را تأیید کرد و مقرر شد که همزمان با اجرای شدن قطعنامه ۲۲۳۱، ۶ قطعنامه‌ای که در دوران آقای احمدی‌نژاد علیه ایران صادر شده منتهی شود. یعنی زمان اجرای شدن قطعنامه ۲۲۳۱ زمان اجرای شدن برجام تعیین شد.

برجام و متعاقب آن قطعنامه ۲۲۳۱ در دی ماه ۱۳۹۴ اجرایی شد. آزمایش موشکی ایران چند ماه قبل از اجرای شدن برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ انجام شد. اختلاف از اینجا آغاز شد که ایران مدعی شد، آزمایش موشکی نقض برجام نیست. آمریکا هم قبول داشت که آزمایش موشکی نقض برجام نیست اما مدعی شد که آزمایش موشکی ایران قبل از اجرای شدن برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت صورت گرفته است و لذا نقض قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت است. قطعنامه ۱۹۲۹ هم معتبر بوده چون هنوز قطعنامه ۲۲۳۱ اجرایی نشده بود. اعضای شورای امنیت هم تأیید کردند که آزمایش موشکی ایران نقض قطعنامه ۱۹۲۹

امنیتی شده و طرف‌های ذی ربط دارای حساسیت‌های امنیتی عمده‌ای هستند و در نتیجه رویارویی مداوم داشته و دیپلماسی و گفت‌وگو توأم با حسن نیت و معطوف به عمل در حاشیه قرار گرفته، الگوی مذکور می‌تواند و باید به نحوی جا باز کند. مشارکت همه طرف‌های ذی‌ربط در مذاکراتی برای حل بحران سوریه می‌تواند در این رابطه نویدبخش باشد. متأسفانه اقدام‌هایی که در عربستان انجام شد و قبل از آن سهل انگاری و پاسخگو نبودن عربستان در ارتباط با حادثه منا لطمه‌ای به این امید زده، اما هنوز آن‌را مستحیل نکرده و ما همچنان امیدواریم که شرایط تازه امکانات تازه‌ای را موجب شود. مثالی که در مورد دوندگی با وزنه‌ای چند کیلویی که به پایش بسته شده، زدم، می‌تواند در این مورد گویا باشد. به هر حال تحریم‌ها مانع بزرگی بر سر راه تعامل ایران با جهان خارج بود. طبعاً حساسی که دیگران بر ایرانی که تحت تحریم نیست باز می‌کنند متفاوت خواهد بود. واقعیت این است که شماری از کشورها در دوره قبل سوءاستفاده بسیاری در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی از تحریم‌های موجود علیه ایران کردند. منافع زیادی از این جهت به کیسه دیگران وارد شد که نمی‌خواهم وارد جزئیات آن شوم. به همین ترتیب برخی دیگر نیز در خارج از منطقه خاورمیانه از بلوکه شدن درآمدهای نفتی ایران در بانک‌هایشان و محدود شدن خریدهای ایران به پول‌های محلی بهره‌های بسیار بردند، آنهم در شرایطی که قیمت نفت بسیار بالا بود. بدیهی است که ایران در شرایط جدید با ایرانی که وزنه‌ای به پای آن بسته شده متفاوت خواهد بود. البته همه اینها همانطور که گفتیم در حد رفع موانع است و اینکه چگونه در جاده بدون مانع حرکت کنیم بستگی به برنامه‌ها و سیاست‌ها و توانایی‌های خودمان دارد. کاملاً روشن است که رژیم اسرائیل و لابی آن به جد مخالف هرگونه حرکتی در جهت حل مسائل هسته‌ای ایران بودند و از هیچ تلاشی برای به شکست کشاندن مذاکرات و بسیج نیرو در آمریکا برای ایجاد مانع در راه آن فروگذار نکردند. تا آنجا که حتی نخست‌وزیر آن رژیم به دعوت کنگره و برغم نظر منفی دولت آمریکا در کنگره علیه سیاست دولت آمریکا سخنرانی کرد. البته این اگر چه بزرگترین شکست لابی اسرائیل در آمریکا در تاریخ این لابی است اما بی‌سابقه نبود. چند سال قبل هم این لابی در جلوگیری از وزیر دفاع شدن چاک هگل ناکام مانده بود. برخی معتقدند که این موارد حاکی از تضعیف موقعیت رژیم اسرائیل و لابی آن کشور در واشنگتن است، متأسفانه گزارشات خبری و شواهد زیادی نیز وجود دارد که حاکی از تلاش لابی عربستان و برخی دیگر از کشورهای منطقه برای جلوگیری از توفیق مذاکرات هسته‌ای بوده است. اطلاعات منتشره در رسانه‌های آمریکا حاکی از آن است که جریان‌های مختلف مرتبط با این کشورها در آمریکا نیز اقدامات گسترده‌ای برای به شکست کشاندن مذاکرات انجام می‌دانند.

نشانه‌های مصالحه

برجام پیچیده‌ترین متن سیاسی در آمریکای پس از جنگ سرد

جمله سیاست خارجی جدی‌تر از هر زمانی است. در این متن بود که برجام به بحث و گفت‌وگو گذاشته شد و نهایتاً تصمیم‌گیری شد. علاوه بر متن داخلی باید به متن منطقه‌ای نیز توجه کرد؛ در متن منطقه‌ای دو متحد اصلی ایالات متحده یعنی رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی تلاش فراوانی کردند تا در داخل آمریکا برای باراک اوباما تولید در سراسر کنند. در تاریخ روابط بیش از ۶ دهه رژیم صهیونیستی و ایالات متحده برای نخستین بار بود که رئیس مجلس نمایندگان که از قطب مخالف اوباما است، نخست وزیر رژیم صهیونیستی را برای ایراد سخنرانی در کنگره علیه رئیس‌جمهور آمریکا دعوت کرد. این متن داخلی در مورد دیگری به این صورت تکرار نشده و نقش بازیگران منطقه‌ای در این زمینه قابل توجه است. به علاوه این که عربستان سعودی تا لحظات آخر سعی کرد در متن داخلی آمریکا بازیگری کند. اما این متن منطقه‌ای باید در کنار متن بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد. ایالات متحده نمی‌توانست نسبت به آنچه در جهان پیرامون این مذاکرات می‌گذرد صرفاً از زاویه مسائل داخلی بنگرد. مفهوم ۵+۱ در حقیقت جمع کنشگران بین‌المللی را در این مذاکرات روشن می‌کند. اما هر کدام از این بازیگران بین‌المللی بین خود و درون خود با بازیگران و کنشگرانی روبه‌رو بودند که نهایتاً بر رفتار ایالات متحده اثرگذاری داشتند. نباید فراموش کرد در مرحله‌ای از این مذاکرات یعنی در مذاکرات ژنو، لوران فابیوس وزیر امور خارجه فرانسه به نمایندگی از عربستان سعی در جلوگیری از به انجام رساندن مذاکرات داشت و در آن زمان تنش میان فرانسه و آمریکا ایجاد شد. در مجموع از آنچه ذکر شد این استنباط را می‌توان کرد که در برجام، ایالات متحده با یک متن پیچیده، پرابزر و پرکنشگر روبه‌رو بود که مجموعه‌ای متناقض و در عین حال پرتنش بودند. اوباما باید در این متن پرتنش و پرتناقض سیاست مذاکراتی خود را به پیش می‌برد. همچنین باید تأکید کرد که ایران خود یک کنشگر موثر، مهم و شاید به تعبیری مهمترین کنشگر در مجموعه مذاکرات بود و این نیز بر پیچیدگی روند مذاکراتی می‌افزود. اما علاوه بر پیچیدگی متن باید به جنبه دیگر این نسبت یعنی



سیدمحمد کاظم سجادپور
عضو هیات علمی دانشکده روابط
بین‌الملل

در مورد برجام و فرجام آن، بحث‌ها و گفت‌وگوهای زیادی در جریان بوده و هست و همچنین از زوایای گوناگونی به مسئله برجام نگریسته شده و خواهد شد. ابعاد سیاست داخلی و خارجی در ایران، کنش بازیگران منطقه‌ای، مباحث حقوقی و اقتصادی و همینطور چشم‌اندازهای سیاسی در سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه برجام جلب توجه زیادی کرده است. اما یکی از مهمترین بحث‌ها که درخور توجه تحلیلی و دقت است مسئله سیاست خارجی آمریکا و چگونگی ارتباط آن با برجام و در حقیقت با روند مذاکرات هسته‌ای طی سال‌های گذشته است. برجام پدیده کمی در سیاست خارجی آمریکا نبوده و نیست و حجم و توجه سیاسی کارشناسان سیاست خارجی آمریکا به این قضیه در کانون توجه است. با توجه به این زاویه دید، در این نوشتار به این پرسش تحلیلی پرداخته می‌شود که نسبت برجام و سیاست خارجی آمریکا چگونه قابل فهم و بررسی است. در پاسخ نسبت «متن محور»، «ایده‌محور» و «تهداد و شخصیت‌محور» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نسبت متن محور

برجام در متن و فضای خاصی از سیاست خارجی آمریکا انجام گرفت؛ در واقع برجام در یکی از پیچیده‌ترین متن‌های سیاسی در آمریکای پس از جنگ سرد به تحقق پیوست. برجام شاید بیش از آنکه یک مسئله خارجی سیاست خارجی آمریکا باشد تبدیل به مسئله‌ای داخلی شده است. این نسبت یعنی جداناپذیری سیاست خارجی از سیاست داخلی یکی از برجسته‌ترین نکات تحلیلی است که باید در شناخت سیاست خارجی آمریکا مدنظر قرار بگیرد. به عبارت دیگر بین جامعه آمریکا و سیاست خارجی این کشور به خصوص در سطح نخبگان نسبت عمیقی وجود دارد. در حال حاضر جامعه آمریکا به شدت قطبی شده است نه فقط در بین دو قطب دموکرات و جمهوری خواه بلکه تنش میان قطب‌های گوناگون فکری و نگرش‌های مختلف در مورد مسائل مربوط به زندگی عمومی از

عوامل خارجی شرایط هم حتی به نفع اسرائیل و عربستان و جناح‌های آمریکا تغییر کند، مثل حادثه حمله و به آتش کشیدن سفارت و سرکنسولگری عربستان در تهران و مشهد. بهره‌برداری از فرصت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی که برجام برای ایران فراهم کرده نیازمند یک استراتژی جدیدی همراه با اجماع ملی است در غیراینصورت فرصت‌های موجود هدر خواهد رفت.

اجرای برجام چه تأثیری بر مناسبات استراتژیک و نظامی ایران و روسیه در حوزه تحولات شامات و منطقه خواهد داشت؟

برجام می‌تواند موجب رشد مناسبات استراتژیک و نظامی دوجانبه و منطقه‌ای ایران و روسیه شود. چون غربی‌ها حداقل تا پنج سال آینده همکاری نظامی با ایران نخواهند داشت و لذا فرصتی است برای روسیه و چین.

به نظر می‌رسد، میان نخبگان ایرانی و سیاستمداران و ژنرال‌ها در مورد دوری و نزدیکی به روسیه، آمریکا و اروپا اختلاف نظرهای جدی وجود دارد، به نظر تان اجرای برجام موازنه را به سمت کدام دیدگاه تغییر خواهد داد؟

ایران باید یک استراتژی دوگانه انتخاب کند: ۱- توسعه متوازن روابط خود با روسیه و چین و اروپا و ۲- کاهش خصومت و تشنج با آمریکا. آیا از کانال مذاکره ایران و آمریکا که در حوزه هسته‌ای ایجاد شد می‌توان در حوزه‌های دیگر استفاده کرد. منافع و مضرات حفظ چنین کانالی برای منافع و امنیت ملی ایران چیست؟

گفت‌وگوی مستقیم سازمان‌های امنیتی ایران و آمریکا برای تبادل زندانیان یک موفقیت بود. گفت‌وگوی وزرای خارجه در اجلاس بین‌المللی سوریه موجب توافقی جهانی شد که به موضع ایران بسیار نزدیک بود و با مواضع سعودی و ترکیه فاصله زیادی داشت. این روند هم موجب انزوای رقبای منطقه‌ای ایران همچون ترکیه و اسرائیل و عربستان خواهند شد و هم موجب کاهش تشنج در روابط.

آیا بهتر نیست به جای حفظ این کانال، لابی منسجم و سازماندهی شده در کاپیتال هیل از سوی ایران فعال شود تا منافع کشورمان هم‌زمان با فعالیت لابی‌های ضد ایرانی عربی و اسرائیلی در دوره اجرای برجام تأمین شود؟ چه محدودیت‌هایی و امکاناتی در این زمینه وجود دارد؟

هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند. حتی اگر ایران یا آمریکا هم روزی تصمیم بگیرند که در هیچ موردی با هم گفت‌وگو نکنند باز هم برای دفع تلاش‌های لابی صهیونیست‌ها و اعراب متخاصم و ضد انقلاب برانداز، ایران نیازمند یک لابی قدرتمند در آمریکاست.

مذاکره کرده‌اند، این واقعیت را به خوبی درک می‌کنند

این حرف بدان معنی نیست که ما می‌توانیم به آنها کاملاً اعتماد کنیم همانطور که آنها هم نمی‌توانند به ما کاملاً اعتماد کنند. معنی حرف من این است که دولت اوباما اهل معامله با ایران است. معامله‌ای که هم امتیاز بگیرد و هم امتیاز بدهد. این واقعیت برای جمهوری خواهان و اسرائیل و عربستان کاملاً شناخته شده است و لذا برای اتمام دوره اوباما روزشماری می‌کنند. عین معامله‌ای که در مورد برجام صورت گرفت. اما هیچ‌یک از کاندیداهای فعلی اعم از دموکرات یا جمهوری خواه در حد اوباما آمادگی ندارند و احتمالاً هم سیاست‌های علیه ایران را تشدید می‌کنند

اوباما آیا با انعقاد برجام به دنبال آغاز همکاری‌های سیاسی و اقتصادی با ایران است یا هدف از برجام محدودسازی قدرت راهبردی ایران بود؟

عدمی در داخل می‌گویند که هدف اوباما از برجام تغییر رژیم در ایران و محدودسازی قدرت راهبردی ایران در منطقه است. اینها یا دچار توهم هستند، یا تمایلی به درک واقعیات ندارند یا اینکه قصد قلب واقعیات را دارند. مقام معظم رهبری، مجلس، شورای امنیت و دولت قطعاً برجام را نمی‌پذیرفتند مگر اینکه مطمئن باشند که برجام باعث استحکام قدرت داخلی و منطقه‌ای و خارجی ایران خواهد شد. اگر هدف برجام تغییر رژیم در ایران و محدودسازی قدرت راهبردی ایران در منطقه بود که اسرائیل و عربستان باید جشن می‌گرفتند و نه عزاداری. این مقام معظم رهبری تصریح فرمودند که «برجام حادثه مهم و بزرگی بود نه اینکه همه خواسته‌های ما برآورده شد، ولی همین اندازه هم کار مهمی بود»، خود گواه آشکاری است.

ایران به لحاظ منطقه‌ای و بین‌المللی پس از اجرای برجام با دوره قبل از آن چه تفاوت‌هایی دارد؟ برخی اعتقاد دارند اجرای برجام در عمل منجر به افزایش تضادها و رقابت‌های منطقه‌ای بیشتر خواهد شد و نه افزایش نفوذ ایران؛ نظر شما در این زمینه چیست؟

اینکه ایران بعد از برجام برای اولین بار به نشست بین‌المللی سوریه دعوت شد، نشان روشنی از تغییر دیدگاه جهانی نسبت به جایگاه منطقه‌ای ایران است. اینکه بعد از برجام انتقادهای بین‌المللی نسبت به نقش منطقه‌ای عربستان افزایش یافته و هم مقامات غرب و هم رسانه‌های غرب عربستان را سرزنش می‌کنند، هم نشانه بارزی از پتانسیلی است که برجام برای ایران به وجود آورده است.

البته معلوم نیست که ما تا چه اندازه بتوانیم از این ظرفیت استفاده کنیم. ممکن هم هست که با اثر برخی بی‌عقلی‌ها یا به‌خاطر نفوذ